

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

مناظره با موضوع:

صدقہ از دیدگاه اسلام
حججہ از دیدگاه اسلام

استاد سید عباس (شیعہ) و ثانی بلوچی (اہل سنت عمر)

ابرگروہ مناظراتی خیمہ گاہ حضرت ابا الفضل (علیہ السلام)

<https://telegram.me/joinchat/CBcwOzvErxQBWIY4hteVtw>

ثانی بلوچ:

پس دشمن شرک را خدا توحید معرفی کرده

سید عباس:

استاد سلام من هم سوالی دارم

برادر عزیزم شما فرمودید صحابی دشمن منافقین هستن و دشمن شرک هستن

در این مورد سوالی داشتم

اجازه هست؟

ثانی بلوچ:

بله برادر

سید عباس:

بزرگوار الان در بعضی روایات شما آمده که بین صحابی هم منافق هستن این قضیه اش با فرمایش شما که صحابی دشمن منافقین هستن در تناقض هست این سوال اول و سوال دوم این هست ایات در اثبات شرک صحابی آمده و همچنین منافق بودن صحابی اینها رو باید چه بکنیم؟

ثانی بلوچ:

جواب میدم برادر

سید عباس:

طبق تعریف علمای شما هر کسی که پیامبر رو یک لحظه دیده باشه و مصاحبت داشته باشه هم صحابی هست برادر عزیزم

ثانی بلوچ:

قول جمهور مهمه ن ی شخص

بعدش هم تشریح میخاد ک بهش میرسم

سید عباس:

یعنی ائمه اربعه شما اقوالشون باطل هست؟

ثانی بلوچ:

میرسم بهش

گوش کنید چند لحظه

سید عباس:

شما که همه رو می گی می رسیم بهش بزگوار

اما اکثر فقهای شما همین معنا رو قائل هستن کسی که همراهی کرده باشه هم صحابی هست

ثانی بلوچ:

بله همه صحابه. اما در مقام نخست مهاجرین و انصار

لطفا سری موضوع باشید

M M:

من از هرکدوم پیروی کنم بهشتی میشم؟

حتی از معاویه؟

ثانی بلوچ:

بله حتی از معاویه

M M:

یعنی اگه علیه خلیفه زمانم بشورم اشکال نداره؟

خلیفه ای که مردم انتخاب کردن؟

سید عباس:

معاویه به حضرت علی فحش می داده الان از یک فحاش به حضرت علی پیروی کنیم بهشتی هستیم؟

مهدی:

یعنی معاویه هم صحابی حساب میشه؟؟

سید عباس:

صحابی کسانی بودن که قاتل خلیفه سوم بودن چطوری از اینها پیروی کنیم بهشتی هستیم؟

ثانی بلوچ:

حرفاتون را بزئید

من گوش میکنم

تا جواب بدم

سید عباس:

نکته بعدی، خود صحابی جهنمی هستن چطوری ما بگوییم از آنها پیروی کنیم بهشتی هستیم برادر؟

بنده سوالاتی کردم جواب ندادید

ثانی بلوچ:

چون اینطور شما دنبال جواب نیستین هی موضوع عوض میکنین

M M:

همه صحابه جهنمی نیستن

سید عباس:

صحابی دارید که منافق هستن و صحابی دارید که طبق قران مشرک شدن چطوری منافقین و مشرکین رو ما پیروی کنیم

بهشتی هستیم؟

ثانی بلوچ:

حرفاتون تموم شدن بگید تا جواب بدم

سید عباس:

بفرمائید جواب بدهید

ثانی بلوچ:

پس گوش کنید میدان جنگ نیست و حرف برد و باخت نیست هدف شناخت حقیقت

ببینید

سید عباس:

نه داداش میدان جنگ چیه در خدمت شما هستم

امدم جواب بگیرم بزرگوار

ثانی بلوچ:

صحابی از نگاه اهل سنت یعنی کسی که پیامبرص را دیده و به او ایمان آورده و بر ایمان استقامت کرده یعنی مونده

اینو داشته باشید

سید عباس:

بله گوش می کنم برادرم تمام شد بفرمائید من هم جواب بدم

ثانی بلوچ:

و گفתי صحابی مشرک شدن یا منافق اولاً کسی منافق شد و مشرک صحابی نیست با معانی و مفهوم صحابی در تضاد هست
ثانیا من دلیل دادم ک همانطور توحید مخالف شرک هست همانطور صحابه مخالف نفاق

بفرما بزرگوار

سید عباس:

تمام شد برادر عزیزم؟

ثانی بلوچ:

بله بفرما

سید عباس:

برادرم

شما در مورد معنای صحابی فرمودید قول جمهور نزد شما حجت هست درسته"؟

M M:

منم همینو میگم کسی که مشرک یا منافق شد که دیگه صحابی نیست که بشه ازش پیروی کرد

سید عباس:

برادر ام ام اگه بزارید من بحث کنم دعای گوی شما هستم برادر عزیزم

ثانی بلوچ:

خب اون صحابی محسوب نمیشه.

بفرماید

سید عباس:



برادر جواب ندادید

شما در مورد معنای صحابی فرمودید قول جمهور نزد شما حجت هست درسته"؟

ثانی بلوچ:

بله

سید عباس:

ممنون

ثانی بلوچ:

خب جمهور اهلسنت چی میگن اسلاف ما

بفرما

سید عباس:

اما شما اینجا یک معنی از صحابی آوردید که خلاف جمهور علمای شما و اجماع علمای شما هست

نگاه کنید در ادامه علمای شما فرمودن صحابی به چه کسی می گویند

قال النووی فی مقدمه شرح مسلم ۸۴/۱۶:

اتفق العلماء علی أن خیر القرون قرنه(ص) ، والمراد أصحابه ، وقد قدمنا أن الصحیح الذی علیه الجمهور أن کل مسلم رأى النبى(ص)ولو ساعة فهو من أصحابه

ثانی بلوچ:

چ عجب

سید عباس:

نووی گفته

ثانی بلوچ:

کجاش

سیدعباس:

نووی گفته اجماع علما بر این هست که تعریف صحیح از صحابی نزد جمهور بر این هست هر فرد مسلمانی که ولہ یک ساعت پیامبر رو هم ببینه صحابی هست

ثانی بلوچ:

خب این یعنی چی؟ اصلا متوجه شدی؟

سید عباس:

ولی کلام شما خلاف قول اجماع و جمهور علما هست

براتون بالا ترجمه کردم که متوجه بشوید

پس اولاً تعریف شما از صحابی اشتباه هست

نکته دوم اجازه بده من صحبت کنم دیگه

من سکوت کردم

حالا نوبت من هست

اما در مورد این

ثانی بلوچ:

من چی گفتم کجا با این قول در تضاد بود؟

تضاد را مشخص کن

سید عباس:

اها تضادش در این هست

ثانی بلوچ:

صبر

برای مناظره نیامدی ک من ساکت باشم سوال داشتی

سید عباس:

که علمای شما گفتن هر فرد مسلمانی پیامبر را ببینه می شود صحابی شما می فرماید کسی که به پیامبر ایمان بیاره و بر ایمان استقامت کنه حال انکه علمای شما شرط صحابی بودن رو نه ایمان بلکه اسلام گذاشتن و ایضا استقامت را هم شرط نکردن که شما شرط کردی

ثانی بلوچ:

تضاد حرفمو با قول جمهور بده

سید عباس:

لذا دیدن رسول الله به مجرد یک ساعت هم یعنی صحابی

همچنین

ثانی بلوچ:

انصاف داری؟

سید عباس:

در جای دیگه نووی می گوید

نووی در شرح صحیح مسلم میگوید:

فأما الصحابي فكل مسلم رأى رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَلَوْ لِحظَّةٍ هذا هو الصحيح في حده وهو مذهب أحمد بن حنبل وأبي عبد الله البخاري في صحيحه والمحدثين كافةً وذهب أكثر أصحاب الفقه والأصول إلى أنه من طالت صحبته له صلى الله عليه وسلم

پس اما صحابی، پس هر مسلمانی که رسول خدا صلی الله علیه و آله را اگر چه یک لحظه دیده باشد صحابی است و این تعریف در حد خودش صحیح است و همان رای احمد حنبل و بخاری در صحیحش و نیز عموم محدثان است ولی اکثر فقها و علمای اصول معتقدند صحابی کسی است که مدت زمان طولانی هم نشین و هم صحبت پیامبر صلی الله علیه و آله بوده باشد.

شرح نووی بر مسلم جلد ۱ صفحه ۳۵ - ۶۳.

ثانی بلوچ:

گوش کن

سید عباس:

بله دارم

M M:

حالا استاد ثانی میگه استقامت کنه مگه بد میگه

ثانی بلوچ:

پس گوش کن

سید عباس:

اجازه بده دیگه

شما انصاف کنید من دارم حرف می زنم

ثانی بلوچ:

شما بشین استفاده کن علم ایشون حس میکنم ازت بیشتره

حرفات غلط هستن برادر

سید عباس:

بزرگوار اینکه صحابی منافق شدن ایه قران هست که مهاجرین و انصار منافق شدن و همچنین شیخ عبد الوهاب شما هم چنین می گوید

«محمد بن عبد الوهاب» بعد از نقل آیه ۷۴ سوره توبه، و این که عده ای از صحابه، سخنان کفرآمیز بر زبان جاری کرده بودند؛ می گوید:

أما سمعت الله كقرهم بكلمة مع كونهم في زمن رسول الله - صلى الله عليه وسلم - و يجاهدون معه و يصلون و يزكون و يحجون و يوحدون»

آیا نشنیدی که خداوند صحابه را به خاطر گفتن یک کلمه، تکفیر کرده است. با اینکه این صحابه در زمان رسول خدا بودند. و در رکاب پیغمبر جهاد می کردند. و نماز می خواندند و زکات می دادند و حج انجام می دادند و به وحدانیت خداوند هم شهادت می دادند.

کشف الشبهات ج ۱ ص ۱۷۴

ثانی بلوچ:

ایه بعد میرویم

فعلا بمون اینجا

سید عباس:

كشفت الشبهات

سرور محمد بن عبد الوهاب

ومعه

تعلیقات و توضیحات و بیان لفظ
الشیخ رحمه الله في مسائل العذر بالجهل
وتكفير المعين والفرق بين قيامهم بالجملة

راہنما

الشیخ الذکور

یا سیرہ کامی
حفظہ اللہ

کتاب التعلیقات
طلعت مرووق
عقد اللہ

کتاب التعلیقات
الشیخ الذکور
الشیخ الذکور
الشیخ الذکور

کتاب التعلیقات
الشیخ الذکور
الشیخ الذکور
الشیخ الذکور

کشف الشبهات ۳۹

وتكذيب الرسول ﷺ والقرآن وإنكار البعث وغير ذلك ، فما معنى الباب الذى ذكر العلماء فى كل مذهب « باب حكم المرتد » وهو المسلم الذى يكفر بعد إسلامه ، ثم ذكروا أنواعاً كثيرة كل نوع منها يكفر ويحل دم الرجل وماله ، حتى أنهم ذكروا أشياء يسيرة عند من فعلها ، مثل كلمة يذكرها بلسانه دون قلبه أو كلمة يذكرها على وجه المزاح واللمب .

ويقال أيضاً : الذين قال الله فيهم : ﴿ يَحْلِفُونَ بِاللَّهِ مَا قَالُوا وَلَقَدْ قَالُوا كَلِمَةَ الْكُفْرِ وَكَفَرُوا بَعْدَ إِسْلَامِهِمْ ﴾ [التوبة : ۷۴] ^(۱) ، أما سمعت الله كفرهم بكلمة مع كونهم فى زمن رسول الله ﷺ ويجاهدون معه ويصلون معه ويذكرون ويحجون ويؤدون ؟

وكذلك الذين قال الله فيهم : ﴿ وَلئن سَأَلْتَهُمْ لَيَقُولُنَّ إِنَّمَا كُنَّا نَخُوضُ وَنَلْعَبُ قُلْ أَبِاللَّهِ وَآيَاتِهِ وَرَسُولِهِ كُنْتُمْ تَسْتَهْزِءُونَ ﴿۳۵﴾ لا تَعْتَدُوا قَدْ كَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ ﴾ [التوبة : ۶۵ ، ۶۶] ، فهؤلاء الذين صرح الله فيهم أنهم كفروا بعد

(۱) وقد اختلف أئمة التفسير فى سبب نزول هذه الآية : فقيل : نزلت فى الجلاس بن سويد بن الصامت ووديعه بن ثابت ، وذلك أنه لما كثر نزول القرآن فى غزوة تبوك فى شأن المنافقين وذهمهم ، فقالا : لئن كان محمد صادقاً على إخواننا الذين هم ساداتنا وخيارنا لنحن شر من الحمير ، فقال له عامر بن قيس : أجل والله إن محمداً لصادق ، وإنك لشر من الحمير ، وأخبر عامر بذلك النبي ﷺ ، وجاء الجلاس فحلف بالله أن عامراً لكاذب ، وحلف عامر لقد قال ، وقال : اللهم أنزل على نبيك شيئاً فنزلت . وقيل : إن الذى سمع ذلك عاصم بن عدى ، وقيل : حليفة ، وقيل : بل سمعه ولد امرأة الجلاس واسمه عمير بن سعد فهم الجلاس يقتله لئلا يخبر بخبره . وقيل : نزلت فى عبد الله بن أبي راس المنافقين لما قال : ما ملنا ومثل محمد إلا كما قال القائل : « يسكن كليلك يا كليلك » و « لئن رجعتنا إلى القنينة لخرجن الأعراس منها الأفل » [المنافقون : ۸] ، فأخبر النبي ﷺ بذلك ، فجاء عبد الله بن أبي راس فحلف أنه لم يقله . وقيل : إنه قول جميع المنافقين ، وأن الآية نزلت فيهم . قال الشوكاني : وعلى تقدير أن القائل واحد أو اثنا فنسبه القول إلى جميعهم . ي باعتبار موافقة من لم يقل ولم يحلف من المنافقين لمن قال وحلف ، وقوله تعالى : ﴿ وكفروا بعد إسلامهم ﴾ أى كفروا بهذه الكلمة بعد إظهارهم للإسلام ، وإن كانوا كفاراً فى الباطن . ۱ . هـ « فتح القدير » (ج ۲ ص ۳۸۲ - ۳۸۳) .

ثانی بلوچ:

شاخه به شاخه نشو

سید عباس:

در مورد منافق بودن صحابی ه م به همان ایه ۱۰۱ سوره توبه رجوع کنید

ثانی بلوچ:

اروم قدم بقدم

سید عباس:

در طول بحث هست عزیزم فرافکنی نکن

ثانی بلوچ:

عجلاب نیست

سید عباس:

وَمِمَّنْ حَوْلَكُمْ مِنَ الْأَعْرَابِ مُنَافِقُونَ وَمِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ مَرَدُوا عَلَى النِّفَاقِ لَا تَعْلَمُهُمْ نَحْنُ نَعْلَمُهُمْ سَنُعَذِّبُهُمْ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ يَرَدُّونَ إِلَيْنَا عَذَابٍ عَظِيمٍ «۱۰۱»

و از (میان) اعراب بادیه‌نشین که اطراف شما هستند، جمعی منافقند؛ و از اهل مدینه (نیز)، گروهی سخت به نفاق پای بندند. تو آنها را نمی‌شناسی، ولی ما آنها را می‌شناسیم. بزودی آنها را دو بار مجازات می‌کنیم (:مجازات با رسوایی در دنیا، و مجازاتی به هنگام مرگ)؛ سپس بسوی مجازات بزرگی (در قیامت) فرستاده می‌شوند.

ثانی بلوچ:

جناب

سید عباس:

خداوند در اینجا فرموده از اهل مدینه که همان انصار و مهاجرین هستن بر نفاق خود افزودند

پس بین مهاجرین و انصار منافق بسیار است بزگوار

ثانی بلوچ:

میگم شما از اول وارونه گرفتی

سید عباس:

الان در خدمت شما هستم

ثانی بلوچ:

پس گوش کن

سید عباس:

بفرما درستش کن

ثانی بلوچ:

اولا بهت بگم

سید عباس:

بفرما

ثانی بلوچ:

این مدارکی که دادی نمیگه هرکس منافقه پیامبرص را دید صحابی هست بلکه میگه مسلمانی ک پیامبرص را دید حتی برگشت منطقه خود مثلا همراه پیامبرص نبود بیش از ی ساعت و رفت اما بر ایمان استقامت داشت خب اگه منظورشون این بود ک پیامبر و دید منافق شد صحابی عس خب چرا گفت مسلمان.ایا اهلسنت منافق را مگه مسلمان میدانند؟

سید عباس:

برادر بلوچ عزیزم هستم ها نرفتم جواب بفرمائید

ثانی بلوچ:

این از این

اما آیات قران

این خاری برچشم روافص هست دلیل هم دادم ک هر جا ذکر منافق شده برای مخالفت سخن از صحابه شده همانطور مثال شرک و توحیدو زدم

گفتی مهاجرین و انصار منافق شدن.

اینو از کجا آوردی؟

سید عباس:

تمام شد بگوید من جواب بدم

ثانی بلوچ:

بفرما سید

سید عباس:

ممنون از برادر بلوچ

پس همان طور که من سکوت کردم شما هم محبت بفرمائید منت بر ما بگذارید سکوت را رعایت کنید حقیر پاسخ بدهم برادر عزیزم

بسم الله

ثانی بلوچ:

کج نرو

چشم

سید عباس:

شما فرمودید که عالمتان فرموده یک ساعت یک فرد مسلمان = پیامبر را ببینه ولی برگشت منطقه خودش بر ایمان استقامت داشت می شود صحابی

بنده کلام عالم شما را آوردم و شما از پیش خود به عالم شما ایمان رو اضافه کردید این ایمان رو از کجای سخن عالم خود تخریح کردید؟

نووی در شرح صحیح مسلم میگوید:

فأما الصحابي فكل مسلم رأى رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَلَوْ لِحظَّةٍ هذا هو الصحيح في حده وهو مذهب أحمد بن حنبل وأبي عبد الله البخاري في صحيحه والمحدثين كافةً وذهب أكثر أصحاب الفقه والأصول إلى أنه من طالت صحبته له صلى الله عليه وسلم

پس اما صحابی، پس هر مسلمانی که رسول خدا صلی الله علیه و آله را اگر چه یک لحظه دیده باشد صحابی است و این تعریف در حد خودش صحیح است و همان رای احمد حنبل و بخاری در صحیحش و نیز عموم محدثان است ولی اکثر فقها و علمای اصول معتقدند صحابی کسی است که مدت زمان طولانی هم نشین و هم صحبت پیامبر صلی الله علیه و آله بوده باشد.

شرح نووی بر مسلم جلد ۱ صفحه ۳۵ - ۶۳.

نکته دوم گفتیم اجماع علمای شما هست شرط صحابی فقط رویت رسول الله هست و اینکه طرف مسلمان باشه یعنی بر این دو شرط هست حال آنکه شما خلاف اجماع سخن فرمودید گفتید شرط صحابی بودن اول ایمان است و دوم استقامت ایمان حال آنکه خلاف جمهور هست و شما فرمودید کلامی که خلاف جمهور باشه ارزشی نداره و کلام شما خلاف جمهور و اجماع هست

نکته بعدی اینجاست که فرمودید آیا اهل سنت منافق را مسلمان می دانند؟

می گوئیم برادر عزیزم قرآن ، منافقین را مسلمان خوانده چون شرط ظاهر را رعایت می کردند

و شهادتین را می گفتن لذا کسی که شهادتین را بگوید حسب ظاهر مسلمان است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِذَا جَاءَكَ الْمُنَافِقُونَ قَالُوا نَشْهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ اللَّهِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّكَ لَرَسُولُهُ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ ﴿١﴾

هنگامی که منافقان نزد تو آیند می گویند: «ما شهادت می دهیم که یقیناً تو رسول خدایی!» خداوند می داند که تو رسول او هستی، ولی خداوند شهادت می دهد که منافقان دروغگو هستند (و به گفته خود ایمان ندارند).

لذا طبق قرآن منافقین مسلمان هستن

چون شهادتین می گفتن

و در کتب صحیح شما یعنی بخاری آمده کسی که لا اله الا الله بگوید او مسلمان هست و نباید او را کشت

در روایت دیگری نقل می کند که: اسامه بن زید یکی از مشرکان را پس از آن که «لا اله الا الله» به قتل رساند، وقتی به پیامبر گرامی (۹) قضیه را خبر دادند، حضرت اسامه را احضار نمود و به او فرمود: چرا وی را کشتی؟ پاسخ داد: یا رَسُولَ اللَّهِ أَوْجَعُ فِي الْمُسْلِمِينَ وَقَتْلَ فُلَانًا وَفُلَانًا - وَسَمَى لَهُ نَفْرًا - وَإِنِّي حَمَلْتُ عَلَيْهِ فَلَمَّا رَأَى السَّيْفَ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ؛ يَارَسُولَ اللَّهِ، قلب مسلمانان را به درد آورد، تعدادی از مسلمانان را کشت، هنگامی که خواستم وی را به قتل رسانم، چشمش که به شمشیر افتاد، «لا اله الا الله» گفت. پیامبر اکرم (۹) فرمود: با این حال وی را کشتی؟ پاسخ داد: آری. صحیح مسلم، ج ۱، ص ۶۷، ح ۱۸۰۱.

روز قیامت با «لا اله الا الله» چه خواهی کرد؟

پس هرکسی لا اله الا الله بگوید مسلمان است طبق این روایت

و قرآن هم فرموده منافقین مسلمان هستن

جالبه مفسرین شما هم گفتن منافقین در ظاهر ایمان داشتن ولی در باطن منافق بودن و وظیفه مسلمین حکم بر ظاهر هست و نه شکافتن قلب

فَإِنَّ الْحِطَابَ بَ { طَأْبُهَا الَّذِينَ آمَنُوا } أَوْلَا : يَدْخُلُ فِيهِ مَنْ أَظْهَرَ الْإِيمَانَ وَإِنْ كَانَ مُنَافِقًا فِي الْبَاطِنِ يَدْخُلُ فِيهِ فِي الظَّاهِرِ فَكَيْفَ لَا يَدْخُلُ فِيهِ مَنْ لَمْ يَكُنْ مُنَافِقًا وَإِنْ لَمْ يَكُنْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ حَقًّا

قَامَ رَجُلٌ غَائِرُ الْعَيْنَيْنِ مُشْرِفُ الْوَجْنَتَيْنِ نَاشِرُ الْجَبْهَةِ كَثُ اللَّحْيَةِ مَخْلُوقُ الرَّأْسِ مُشَمَّرُ الْإِزَارِ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَتَقِي اللَّهَ قَالَ وَيْلَكَ أَوْلَسْتُ أَحَقَّ أَهْلِ الْأَرْضِ أَنْ يَتَّقِيَ اللَّهَ قَالَ ثُمَّ وَلَّى الرَّجُلُ قَالَ خَالِدُ بْنُ الْوَلِيدِ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَلَا أُضْرَبُ عَنْقَهُ قَالَ لَا لَعَلَّهُ أَنْ يَكُونَ

يُصَلِّي فَقَالَ خَالِدٌ وَكَمْ مِنْ مُصَلٍّ يَقُولُ بِلِسَانِهِ مَا لَيْسَ فِي قَلْبِهِ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّي لَمْ أَوْمَرُ أَنْ أَنْقُبَ عَنْ قُلُوبِ النَّاسِ وَلَا أَشُقَّ بَطُونَهُمْ

مردی با چشمان گرد کرده ، گونه های بلند ، چهره درهم کشیده بود پر ریش و با سر تراشیده و در حالیکه لباس خود را بر دور خویش پیچیده بود ایستاده و گفت : ای محمد از خدا بترس!!! رسول خدا فرمودند : وای بر تو آیا من سزاوارترین مردم برای خداترسی نیستم ؟ پس مرد بازگشت ؛ خالد بن ولید گفت : ای رسول خدا اجازه بده گردن او را بزخم ؛ حضرت فرمودند : خیر ، زیرا شاید او نماز می خواند ؛ خالد پاسخ داد : چه بسیار نماز خوانی که با زبان خویش چیزی را می گوید که در قلبش نیست ؛ رسول خدا فرمودند : من مامور نیستم که دل های مردمان را بشکافم و شکم های ایشان را بدرم .

صحیح البخاری ، البخاری ، ج ۵ ، ص ۱۱۰ - ۱۱۱

پس همان طور که عرض شد علمای شما گفتن صحابی به کسی که رویت هم کرده باشد اطلاق می شود و حتی شرط اسلام رو هم بر داشتن

احمد بن حنبل نیز می گوید :

أصحاب رسول الله صلى الله عليه وسلم كل من صحبه شهرا أو يوما أو ساعة أو رآه.

اصحاب رسول خدا (صلى الله عليه وآله) تمام کسانی هستند که یک ماه یا یک روز یا یک ساعت همراه حضرت بوده و یا ایشان را دیده اند !

أسد الغابة ج ۱ ص ۱۲، العدة في أصول الفقه ، الفراء الحنبلي ج ۳ ص ۹۸۸

با گذر از کلام احمد باید عرض کنم که حتی اگر کلامش را باطل بدانید می گوئیم شرط صحابی بودن دو چیز است طبق اجماع علمایان اول شرطش اسلام است و در ثانی رویت است و نه ایمان شرط است و نه استقامت در ایمان

فرمودید که خاری بر چشم روافض هست برادرم

در روایات شما آمده صحابی منافق هستن شما قران را که منکر شدید ایا صحیحین را هم منکرى؟

وقال صلى الله عليه وسلم « إن من أمّن الناس علي في صحبته وذات يده : أبو بكر . ولو كنت متخذاً من أهل الأرض خليلاً لاتخذت أبا بكر خليلاً ، ولكن صاحبكم خليل الله ، لا يتقين نخوة إلا سُدّت . إلا نخوة أبي بكر » . هذا حديث من أصح حديث يكون باتفاق أهل الحديث . فموم الصحبة يندرج فيها كل من رآه مؤمناً به ، ولهذا يقال : صحبه سنة أو شهراً أو ساعة .

ومعاوية وعمرو بن العاص رضي الله عنهما هما من المؤمنين . لم يتهمهم أحد من السلف بنفاق ، بل ثبت في الصحيح « أن عمرو بن العاص لما بايع النبي صلى الله عليه وسلم قال : علي أن يغفر الله لي ما تقدم من ذنبي . فقال : يا عمرو ، أما علمت أن الإسلام يهدم ما كان قبله ، وأن الهجرة تهدم ما كان قبلها ، وأن الحج يهدم ما كان قبله ؟ » والإسلام المهادم هو إسلام المؤمنين .

وأيضاً فعمرو وأمثاله ، ممن قدم مهاجراً بعد الحديبية ، هاجروا من بلادهم طوعاً ، والمهاجرون لم يكن فيهم منافق ، وإنما كان النفاق في بعض الأنصار ، وذلك لأن الأنصار هم أهل المدينة . فسا أسلم أشرفهم وجمهورهم احتاج الباقون أن يظهروا الإسلام نفاقاً لعزة الإسلام وظهوره في قومهم . وأما أهل مكة فكان أشرفهم كندراً ، فلم يكن يظهر الإسلام إلا من هو مؤمن ظاهراً وباطناً ، فإن من أظهر الإسلام كان يؤذى ويهجر ، فالهاجرون كلهم لم يتهمهم أحد بالنفاق ، ولعن المؤمن كقتله .

وأما معاوية بن أبي سفيان وأمثاله من الطلقاء - الذين أسلموا بعد الفتح ككثرة بن أبي جهل ، والحارث بن هشام ، وسهيل بن عمرو ، وصفوان بن أمية وأبي سفيان بن الحرث بن عبد المطلب - ممن حسن إسلامهم باتفاق الناس ، ولم يتهم أحد منهم بعد ذلك بنفاق .

مختصر الفتاوى المصرية

لابن تيمية

تأليف

أوحد العلماء الشيخ بدر الدين أبي عبد الله محمد بن علي الحنبلي البعلبي
للتوفيق سنة ٧٧٧ هـ

أشرف على تصحيحه

حضرة صاحب الفضيلة العلامة المحقق السليق الصالح الشيخ

عبد المجيد سليم

مفتي الديار المصرية سابقاً ورئيس لجنة الفتوى بالأزهر

دار الكتب العلمية
بيروت - لبنان

ابن تيمية و منافق دانستن برخی از صحابه !

ابن تيميه : بعضی از انصار ، منافق بودند !

این در حالیست که ابن تیمیة معتقد است برخی از «انصار» منافق بوده اند !

وأيضاً فعمرو وأمثاله ممن قدم مهاجراً بعد الحديبية هاجروا من بلادهم طوعاً والمهاجرون لم يكن فيهم منافق وإنما كان النفاق في بعض الأنصار وذلك لأن الأنصار هم أهل المدينة فلما أسلم أشرفهم وجمهورهم احتاج الباقون أن يظهروا الإسلام نفاقاً لعزة الإسلام وظهوره في قومهم

بدر الدين البعلبي، محمد بن علي بن أحمد بن عمر (المتوفى ٧٧٨ هـ)، مختصر الفتاوى المصرية لابن تيمية، المحقق: عبد المجيد سليم - محمد حامد الفقي، الناشر: مطبعة السنة المحمدية - تصوير دار الكتب العلمية.

و همچنین عمرو و مانند او از کسانی از مهاجرین که بعد از حدیبیه از سرزمینشان با میل و اراده ی خودشان مهاجرت کردند در بین آن ها منافقی وجود نداشت بلکه نفاق در برخی از انصار بود و این بدان دلیل است که انصار اهل مدینه هستند و زمانی که بزرگان و اکثریتشان اسلام آوردند سایرین نیاز داشتند که اسلام خود را به دلیل عزت اسلام و ظهورش در قومشان از سر نفاق ظاهر کنند

و همچنین منافقین بین انصار جولان می دادند

حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي، قَتْنَا أُسُودَ بْنَ غَامِرٍ قَتْنَا إِسْرَائِيلَ، عَنِ الْأَعْمَشِ، عَنْ أَبِي صَالِحٍ، عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ قَالَ: إِنَّمَا كُنَّا نَعْرِفُ مُنَافِقِي الْأَنْصَارِ بِبُغْضِهِمْ عَلَيَّا

ابی سعید الخدری: ما منافقین انصار را با بغض شان به علی (ع) می شناختیم

فضائل الصحابة. ج ۲ ص ۵۷۹. ط جامعه ام القرى

جالبه علمای شما هم تصریح کردن که بعضی از صحابی در ظاهر اسلام داشتن ولی در باطن منافق بودن. کان المسلمون عند وفاة النبي صلى الله عليه و سلم على عقيدة واحدة و طريقة واحدة إلا من كان يبطن النفاق و يظهر الوفاق. مردم در زمان حیات پیامبر همواره بر یک عقیده بودند؛ مگر کسانی که به ظاهر اظهار اسلام می کردند و در باطن روحیه منافقانه داشتند.

المواقف للإيجي، ج ۳، ص ۶۴۹ و ۶۵۰

جایگاه ایجی

یعنی جایگاه عضد الدین ایجی رو هم بگویم در خدمت هستم

ابن حجر در مورد عضد الدین ایجی می گوید:

وكان إماما في المعقول قائما بالأصول والمعاني والعربية مشاركا في الفنون.

امام در معقولات است و به پا دارنده اصول شریعت است و در فنون دیگر هم تسلط دارد.

الدرر الكامنة في أعيان المائة الثامنة، ج ۳، ص ۱۱۰

امام شما می گوید صحابی در ظاهر اسلام داشتن ولی در باطن منافق بودن

بعدا شما می گوید صحابی منافق نیستن؟

در خدمت هستم برادرم

ثانی بلوچ:

خب گوش کن من باید یک ساعت تایپ کنم ک بنویسم این همه جواب

سید عباس:

در خدمت هستم

ثانی بلوچ:

پس تحمل کنید گوش بسپارید

سید عباس:

مانعی نیست

فقط مثل تابه حال به عالم تون دروغ نزنید که گفته باید شرط ایمان در صحابی بودن داشته باشه که به نووی این رو گفتی ولی او شرط را اسلام گذاشته بود

من در خدمت شم| هستم

بفرما

ثانی بلوچ:

متأسفانه باز مغلطه میکنی. این سخن حرف منو تایید میکنه برام عجیبه چرا اینو بعنوان استدلال آوردی. برای چندمین بار بهت بگم امام نووی هم همین حرف منو تایید میکند اینجا سخن از این هست ایا یک شخص ایمان آورد به پیامبرص و یساعت یا ی روز دید صحابی هست یا ن. ک گفتن صحابی هست بلکه ملاک دیدن پیامبرص هست. پس این مسئله را جواب داده و جواب دادم ک منافق تضاد با صحابه هست و این مدرکت بی ربط هست از مدت سخن میگه

بلع اینو گفتم اما خلاف اجماع نیست خودت مدرک علیه خود دادی ک امام نووی رح گفته مسلمان . دقت کن مسلمان

چ ربطی داره ب بحث خب شناخت منافق سخته اما مسلمان نیست.

اینم مغلطه تو هست کجا اومده شرط نیست ایمان؟

این روایت ضعیفه

. ضعف داره باید بررسی کنم

باز از مدت زمانه. لطف مدرک بی ربط نده این همه مدارک از ی چیز سخن میگن از مدت زمان ن اینکه ایمان شرط نیست را

نشون میدن

برادر تو را خدا چ ربطی داره.

اینجا سخن اینه ک شناخت منافق سخته. ن اینکه مسلمان و منافق یکیه

من بدون کپی سوال را رد کردم با حرفهای خودت شما فقط با کپی وقت گرفتی

حالا سوال من

سید عباس:

تمام شد با صفا؟

ثانی بلوچ:

حالا سوال من

سوره توبه ایه صد را ترجمه بفرما

سید عباس:

تمام شد؟

ثانی بلوچ:

بفرما در خدمتتم لطفا مدارک بی ربط نده مٹ قبل

سید عباس:

خوب با تشکر

ثانی بلوچ:

بلع بفرما

سید عباس:

اول اینکه یک دروغی به علامه نووی بستی که از ان دفاع نکردید و نگفتید چرا دروغ به او زدید از این بگذریم

اما جواب مطالبت

دوست عزیزم بین سخن شما و سخن علامه نووی فاصله بین زمین تا آسمان است عزیز دلم

شما ادعا کردی شرط صحابی بودن ایمان و استقامت در ایمان است

اما نووی گفته شرط صحابی بودن اسلام است و رویت اصلا خبری از ایمان نیست بلکه وقتی سخن از اسلام شد یعنی منافقین هم جز صحابی هستن زیرا انها مسلمان هستن و نه مومن

اگر شما قران خوانده باشی می دانید بین اسلام و ایمان فاصله هست و وقتی بین این دو تفریق ایجاد شد دیگه جمع بین کلام شما و نووی می شود محال زیرا نووی منافقین را هم صحابی می داند ولی شما می گوید فقط مومنین صحابی هستن

قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ وَإِنْ تُطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَا يَلِتْكُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ «۱۴»

عربهای بادیه نشین گفتند: «ایمان آورده ایم» بگو: «شما ایمان نیاورده اید، ولی بگویید اسلام آورده ایم، اما هنوز ایمان وارد قلب شما نشده است! و اگر از خدا و رسولش اطاعت کنید، چیزی از پاداش کارهای شما را فروگذار نمی کند، خداوند، آمرزنده مهربان است.»

پس فرق است میان اسلام و ایمان و فرق است میان کلام شما و نووی

نووی شرط صحابی بودن را اسلام می داند و شما شرط را ایمان دانسته و بین ایمان و اسلام فرق است

بعد فرمودی که خلاف اجماع نیست، دوست عزیزم چطور می توانی خلاف اجماع نیست حال آنکه اجماع شرط صحابی بودن را اسلام دانسته و شما می گوید شرط صحابی بودن ایمان است انوقت چطور می گویی قول شما مخالف اجماع نیست؟

به نظرم شما هنوز معنای اسلام و ایمان را نمی دانی که اگر ایه بالا رو دادم بخوانی می فهمی برادرم

بزار بهتان بیشتر بیاموزم

ایمان یعنی اینکه دین و دیانت وارد قلب شده و اسلام یعنی دین را در ظاهر قبول کردی ولی در باطن منافق می توان باشی

و حقیقه الايمان التصديق بالقلب.

وأما الاسلام فقبول ما أتى به النبي صلى الله عليه وسلم في الظاهر، وذلك يحقن الدم.

الكتاب : تفسير القرطبي ج ۱۶ ص ۳۴۸

همان طور که عالم شما گفته صحابی دقیقا همین شرایط را داشتن و در ظاهر اسلام را پذیرفته بودن ولی در باطن منافق بودن

كان المسلمون عند وفاة النبي صلى الله عليه وسلم على عقيدة واحدة وطريقة واحدة إلا من كان يبطن النفاق و يظهر الوفاق .

مردم در زمان حیات پیامبر همواره بر یک عقیده بودند؛ مگر کسانی که به ظاهر اظهار اسلام می کردند و در باطن روحیه منافقانه داشتند.

المواقف للإيجي، ج ٣، ص ٦٤٩ و ٦٥٠

شناخت منافق سخته؟ چه سختی دارد می شه بفرمائید؟

قران و علمای شما می فرماید منافقین در لباس اسلام هستن بعدا شما می گوید شناخت منافق سخت است ولی مسلمان سخت نیست؟

ایرج! هم دیگه عدم آگاهی خودتان را با اوج رساندی و گفתי کجا گفته ایمان شرط نیست

عزیز دلم احمد شرط بر صحابی بودن را فقط رویت گذاشته و نه ایمان انوقت شما می گویی کجا گفته ایمان شرط نیست؟ اگر شرط می بود قید می زد لذا گفته فقط رویت شرطه

احمد بن حنبل نیز می گوید :

أصحاب رسول الله صلى الله عليه وسلم كل من صحبه شهرا أو يوما أو ساعة أو راه.

اصحاب رسول خدا (صلى الله عليه وآله) تمام کسانی هستند که یک ماه یا یک روز یا یک ساعت همراه حضرت بوده و یا ایشان را دیده اند!

أسد الغابة ج ١ ص ١٢، العدة في أصول الفقه، الفراء الحنبلي ج ٣ ص ٩٨٨

حالا طبق این تعریف بفرمائید کجا آمده شرط صحابی بودن ایمان و استقامت ایمان است حال آنکه ایشان می گوید صحابی به کسی می گویند که پیامبر را ببینه نه شرط بر ایمان گذاشته و نه استقامت ایمان

فرمودید این روایت ضعیفه و بعد ادعا کردید ضعف داره باید بررسی کنم

اگر ضعف داره و شما علم بر ضعف این روایت دارید دیگه چرا می گویید بررسی کنید؟ اگر نه ضعیف نیست و شما هم خبر از ضعف نداری چرا می گویی ضعیفه؟

اما دوست عزیزم

فکر نکنم شما معنای روایت ضعیف و صحیح را هم بدانی

باید عارض شوم این روایت ذیل که دادم صحیحه

حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي، قَتْنَا أَسْوَدَ بْنَ عَامِرٍ قَتْنَا إِسْرَائِيلَ، عَنِ الْأَعْمَشِ، عَنِ أَبِي صَالِحٍ، عَنِ أَبِي سَعِيدِ الْخُدْرِيِّ قَالَ: إِنَّمَا كُنَّا نَعْرِفُ مُنَافِقِي الْأَنْصَارِ بِبُغْضِهِمْ عَلِيًّا

ابی سعید الخدری: ما منافقین انصار را با بغض شان به علی (ع) می شناختیم

فضائل الصحابة ج ٢ ص ٥٧٩ ط جامعه ام القرى

مِن تَرَاثِنَا الْإِسْلَامِيِّ
الْكِتَابُ الثَّامِنُ وَالْعِشْرُونَ



جَامِعَةُ أُمِّ الْقُرَى
مَرْكَزُ الْبَحْثِ الْعِلْمِيِّ وَإِحْيَاءِ الْوَرَاثَةِ الْإِسْلَامِيَّةِ
كُلِّيَّةُ الشَّرِيعَةِ وَالذَّرَاسَاتِ الْإِسْلَامِيَّةِ
مَكَّةُ الْمَكَّةِ

كِتَابُ فَضَائِلِ الصَّحَابَةِ

لِلْإِمَامِ
أَبِي عَبْدِ اللَّهِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ حَنْبَلٍ
(١٦٤ - ٢٤١ هـ)

حَقَّقَهُ وَخَرَّجَ أَحَادِيثَهُ
وَصِيَّ اللَّهُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَبْدُ عَسَّاسٍ

الجزء الثاني

(٩٧٩) حدثنا عبدالله قال حدثني أبي قثنا اسود بن عامر قثنا اسرائيل عن الأعمش عن أبي صالح عن أبي سعيد الخدري قال إنما كنا نعرف منافقي الأنصار بيغضهم علياً .

(٩٨٠) حدثنا عبدالله قال حدثني أبي قثنا معتمر بن سليمان عن أبيه عن مغيرة عن أم موسى عن علي قال ما رمدت عيني منذ تفل النبي ﷺ في عيني . .

(٩٨١) حدثنا عبدالله قال حدثني أبي نا يعقوب نا أبي نا محمد بن اسحاق عن ابان بن صالح عن الفضل بن معقل بن سنان عن عبدالله بن نيار الأسلمي عن عمرو بن شاس الأسلمي قال وكان من اصحاب الحديبية قال خرجت مع علي إلى اليمن فجفاني في سفري ذلك حتى وجدت عليه في نفسي

(٩٧٩) إسناده صحيح .

ويأتي بإسناد حسن عن جابر برقم ١٠٨٦ .

(٩٨٠) إسناده صحيح لغيره . مغيرة بن مقسم يدلس لكن شواهده كثيرة والحديث في المسند (١ : ٧٨) وفيه ما رمدت بصيغة المتكلم .

وأخرجه الطبراني في حديث طويل، ذكره في جمع الزوائد (٩ : ١٢٣) وقال وفيه أحد بن سهل بن علي الباهلي ولم أعرفه وبقية رجاله ثقات .

(٩٨١) وهو في المسند (٣ : ٤٨٣) بهذا الإسناد مثله غير أن فيه معقل بن يسار وهذا إسناد ضعيف وفيه علتان: الفضل بن معقل مستور لم يرو عنه إلا أبان بن صالح وقال الحسيني ليس بمشهور وذكره ابن حبان في الثقات .

التاريخ الكبير (٤ : ١ : ١١٤)، الجرح (٣ : ٢ : ٦٧) التعجيل (ص ٢٢٠) .

والعلة الثانية الانقطاع فقد قال ابن معين في تاريخه كما في قسم الدراسة والترتيب لكتابه (١ : ٣٢١) بعد اخراجه عن الفضل بن معقل حديث عبدالله بن نيار عن عمرو بن شاس ليس هو بمتصل لأن عبدالله بن نيار يروي عن ابن أبي ذيب أو يروي عن القاسم بن عباس شك أبو الفضل لا يشبه أن يكون رأي عمرو بن شاس . أ . هـ .

وأخرجه الفسوي (١ : ٣٢٩)، وابن حبان (ص ٥٤٣) من طريق الفضل .

وقال الهيثمي (٩ : ١٢٩) رواه أحمد والطبراني باختصار والبيزار أخصر منه ورجال أحمد ثقات . أ . هـ . وأخرجه البخاري في تاريخه وابن منده من طريق ابن إسحاق .

الإصابة (٢ : ١ : ٥٤٢)، ويأتي جزء من آذى برقم ١٠٧٨ .

عگس قابل رویت هست برای دوستان؟

برادر بلوچ در پاورقی هم تصریح شده صحیح هست

پس صححه و از پیش خود نگویید ضعیفه

اما مطالبی دادیم که در ان ابن تیمیه گفته انصار از منافقین هستن که جواب ندادی

این در حالیست که ابن تیمیه معتقد است برخی از «انصار» منافق بوده اند!

وَأَيْضًا فَعَمِرُوا وَأُمَثَالَهُ مِمَّنْ قَدِمَ مُهَاجِرًا بَعْدَ الْحَدِيثِ هَاجِرًا مِنْ بِلَادِهِمْ طَوْعًا وَالْمُهَاجِرُونَ لَمْ يَكُنْ فِيهِمْ مُنَافِقٌ وَإِنَّمَا كَانَ النِّفَاقُ فِي بَعْضِ الْأَنْصَارِ وَذَلِكَ لِأَنَّ الْأَنْصَارَ هُمُ أَهْلُ الْمَدِينَةِ فَلَمَّا أَسْلَمَ أَشْرَافُهُمْ وَجُمْهُورُهُمْ اِحْتِاجَ الْبَاقُونَ أَنْ يظْهَرُوا الْإِسْلَامَ نَفَاقًا لِعِزَّةِ الْإِسْلَامِ وَظَهْرَهُ فِي قَوْمِهِمْ

بدر الدین البعلی، محمد بن علی بن أحمد بن عمر (المتوفی ۷۷۸ هـ)، مختصر الفتاوی المصریة لابن تیمیة، المحقق: عبد المجید سلیم - محمد حامد الفقی، الناشر: مطبعة السنة المحمدیة - تصویر دار الکتب العلمیة.

و همچنین عمرو و مانند او از کسانی از مهاجرین که بعد از حدیبیه از سرزمینشان با میل و اراده ی خودشان مهاجرت کردند در بین آن ها منافقی وجود نداشت بلکه نفاق در برخی از انصار بود و این بدان دلیل است که انصار اهل مدینه هستند و زمانی که بزرگان و اکثریتشان اسلام آوردند سایرین نیاز داشتند که اسلام خود را به دلیل عزت اسلام و ظهورش در قومشان از سر نفاق ظاهر کنند

اما تا اینجا که ثابت شد بین انصار منافق هست

اما باز هم می خواهیم از صحیح ترین کتب برادران عزیز ثابت کنیم صحابی منافق هستن

ایا از پیامبر بالاتر دارند؟

رسول الله در صحیح ترین کتابشان یعنی مسلم فرموده بین اصحاب من ۱۲ منافق وجود دارد

۱۲ صحابی رسول الله منافق هستن

صحيح
الجامع الصغير
(الفتح الكبير)

تأليف
محمد ناصر الدين الألباني

اطلب منه القسم الآخر،
"صغيف الجامع الصغير وزيادته"
وتتوب وترتيب الحديث الصحيح على أبواب الفقه
"ومشجم ترايب القاطله"

المجلد الثاني

الكتب الاسلامية

- ٤٢٢٨ - «فراء المهاجرين يدخلون الجنة قبل اغنياهم بخمسمائة عام» .
(صحيح) (ت) عن أبي سعيد المشكاة ٥٢٤٣: حم، ت، حب - أبي هريرة
- ٤٢٢٩ - «فكوا العاني، وأجيبوا الداعي، وأطعموا الجائع، وعودوا المريض» .
(صحيح) (حم، خ) عن أبي موسى تخريج مشكلة الفقر ١١٢
- ٤٢٣٠ - «فمن أعدى الأول؟»
(صحيح) (ق، د) عن أبي هريرة الصحيحة ٧٨٢: حم
- ٤٢٣١ - «فناء أمتي بالطعن والطاعون، ونخر أعدائكم من الجن، وفي كل شهادة» .
(صحيح) (حم، ط) عن أبي موسى (طس) عن ابن عمر. الروض النضر ٥٢٦، الارواء ١٦٣٧
- ٤٢٣٢ - «فوا لهم، ونستعين الله عليهم» .
(صحيح) (حم) عن حذيفة الصحيحة ٢١٩١: م، الطحاوي، ك
- ٤٢٣٣ - «فهلأ بكرأ نلاعها وتلاعبك، وتضاحكها وتضاحكك؟» .
(صحيح) (حم، ق، د) عن جابر
- ٤٢٣٤ - «في إحدى جناحي الذباب سم، والآخر شفاء، فإذا وقع في الطعام فامقلوه فيه؛ فإنه يقدم السم، ويؤخر الشفاء» .
(صحيح) (هـ) عن أبي سعيد الصحيحة ٣٩: الطيالسي، ن، الطحاوي، ع، الزبار، طس - انس
- ٤٢٣٥ - «في أصحابي اثنا عشر منافقاً، منهم ثمانية لا يدخلون الجنة؛ حتى يلج الجمل في سم الخياط» .
(صحيح) (حم، م) عن حذيفة
- ٤٢٣٦ - «في الإبل فرع، وفي العنم فرع، ويعق عن الغلام، ولا

پیامبر اکرم فرمودند:

((در بین اصحاب من دوازده نفر هستند که منافق هستند. هشت نفر از این افراد وارد در بهشت نمی شوند حتی اگر شتر از سوراخ سوزن رد شود))

قال النبي صلى الله عليه وسلم في أصحابي اثنا عشر منافقاً فيهم ثمانية لا يدخلون الجنة حتى يلج الجمل في سم الخياط

صحيح مسلم - مسلم النيسابوري - ج ٨ - ص ١٢٢ - دار الفكر

اما منافق خواندن بدریون صحابی توسط عمر

که او را کشته است.»

باب - ۷۴: کسی که کفر کسی را ندیده و به او کافر بگوید، از روی توجیه باشد یا نادانی.

۷۴- باب : مَنْ لَمْ يَرِ إِكْفَارَ مَنْ

قَالَ : ذَلِكَ مَتَّوِّلاً أَوْ جَاهِلاً

وَقَالَ عُمَرُ لِحَاطِبِ بْنِ أَبِي بَلْتَعَةَ : إِنَّهُ مُنَافِقٌ ، فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ : (وَمَا يُدْرِيكَ ، كَلِمَ اللَّهُ قَدْ أَطْلَعَ إِلَى أَهْلِ بَدْرٍ فَقَالَ : قَدْ عَفَرْتُ لَكُمْ) . [راجع : ۳۰۰۷] .

و عمر (بن خطاب) به حاطب بن ابی بلتععه گفت: همانا او منافق است و پیامبر (صلی الله علیه و سلم) (به عمر) گفت: «تو چه می دانی، خداوند از حالات اهل بدر آگاه بوده که گفته است: همانا (گناهان) شما را آمرزیدم.»

گفتیم عالم شما گفته صحابی در ظاهر اسلام داشتن و باطل منافق بودن که جواب ندادن

كان المسلمون عند وفاة النبي صلى الله عليه و سلم على عقيدة واحدة و طريقة واحدة إلا من كان يبطن النفاق و يظهر الوفاق .

مردم در زمان حیات پیامبر همواره بر یک عقیده بودند؛ مگر کسانی که به ظاهر اظهار اسلام می کردند و در باطن روحیه منافقانه داشتند.

المواقف للإيجي، ج ۳، ص ۶۴۹ و ۶۵۰

جایگاه ایجی

یعنی جایگاه عضد الدین ایجی رو هم بگویم در خدمت هستم

ابن حجر در مورد عضد الدین ایجی می گوید:

وكان إماما في المعقول قائما بالأصول والمعاني والعربية مشاركا في الفنون .

امام در معقولات است و به پا دارنده اصول شریعت است و در فنون دیگر هم تسلط دارد.

الدرر الكامنة في أعيان المائة الثامنة ، ج ۳، ص ۱۱۰

گفتیم در قران صحابی را منافق خوانده که جواب ندادن دوباره ذکر می کنیم

وَمِمَّنْ حَوْلَكُمْ مِنَ الْأَعْرَابِ مُنَافِقُونَ وَمِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ مَرَدُوا عَلَى النِّفَاقِ لَا تَعْلَمُهُمْ نَحْنُ نَعْلَمُهُمْ سَنُعَذِّبُهُمْ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ يَرَدُّونَ إِلَىٰ عَذَابٍ عَظِيمٍ ﴿١٠١﴾

و از (میان) اعراب بادیه نشین که اطراف شما هستند، جمعی منافقند؛ و از اهل مدینه (نیز)، گروهی سخت به نفاق پای بندند. تو آنها را نمی شناسی، ولی ما آنها را می شناسیم. بزودی آنها را دو بار مجازات می کنیم (مجازات با رسوایی در دنیا، و مجازاتی به هنگام مرگ)؛ سپس بسوی مجازات بزرگی (در قیامت) فرستاده می شوند.

خداوند می فرماید

در اطراف پیامبر از اهل مدینه منافق هستند که این اهل مدینه بر نفاق خود افزودند

خوب از برادر عزیز بلوچ سوال می کنیم

این اهل مدینه چه کسانی بودند؟

ایا غیر از مهاجرین و انصار بودن؟

شما وقتی ایه ۱۰۰ سوره توبه را می خوانی یک ایه بعدش را هم بخوان که خداوند فرموده صحابی منافق هستن از انصار و مهاجرین

اما ایه ۱۰۰ سوره توبه به نفع شما نیست

چرا؟

چون اولاً ایه با صیغه ماضی آمده و نه مضارع که تا آخر دنیا صحابی اگر کافر هم شدن بازم بهشتی هستن بلکه صیغه ماضی آمده و مربوط به گذشته هست و نه آینده و فعل استمرار ندارد

لذا بهشتی بودن آنها شرایط دارد

و شرط هم بر این هست که فاسق نشود

شما به ایه دقت کنید

خداوند می فرماید از آنها راضی شد

رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ

در جالی که چند ایه قبلش فرموده خداوند از فاسقین راضی نیست

لَا يَرْضَىٰ عَنِ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ «۹۶»

خوب سوال می شود ایا خداوند از همه صحابی راضی شده؟

در جواب می گوئید رضایت فقط از مومنین هست و نه از فاسقین حال آنکه ۴ ایه قبل فرموده از فاسقین راضی نیستم

خوب چه ربطی به بحث داره؟

ربطش اینجاست

که صحابی بینشان منافق بوده همان طور که عالم شما می گوید

أن ما وقع بين الصحابة من المحاربات والمشاجرات على الوجه المسطور في كتب التواريخ والمذكور على ألسنة الثقة يدل بظاهره على أن بعضهم قد حاد عن طريق الحق وبلغ حد الظلم والفسق وكان الباعث له الحقد والعناد والحسد واللداد وطلب الملك والرياسة والميل إلى اللذات والشهوات إذ ليس كل صحابي معصوما ولا كل من لقي النبي e بالخير

آنچه از جنگ ها و درگیری ها بین صحابه اتفاق افتاده است، و بر صفحات تاریخ نوشته و بر زبان گویان جاری است، دلالت دارد بر اینکه بعضی از صحابه از مسیر حق خارج شده و دچار ظلم و فسق شده اند. آنچه باعث این ظلم و فسق شده؛ کینه، عناد، حسادت، خصومت، دنیاخواهی، حب ریاست و تمایل به هوای نفس و لذات شهوانی است؛ چرا که هر صحابه ای معصوم نیست و این طور نیست که هر کسی رسول خدا صلی الله علیه و آله را ببیند فردی نیکوکار باشد

شرح المقاصد فی علم الکلام ، ج ۲ ص ۳۰۶ و ص ۳۰۷ اسم المؤلف: سعد الدین مسعود بن عمر بن عبد الله التفتازانی الوفاة: ۷۹۱هـ ، دار النشر : دار المعارف النعمانیة - باکستان - ۱۴۰۱هـ - ۱۹۸۱م ، الطبعة : الأولى

پس میان صحابی فاسق وجود دارد که خداوند فرموده من از اینها راضی نیستن و سناریو ایه ۱۰۰ سوره توبه شما هم باطل می شود

در خدمت هستم اگه جوایب دارید

ثانی بلوچ:

سپاس حالا گوش کن من کندم در تاپ لپتاپم خرابه با گوشیم تحمل کن پس

سید عباس:

چشم بازم مانعی نیست

ثانی بلوچ:

اینو دوستان قضاوت میکنن ک عرض من چی بود. من گفتم شرایط صحابی بودن اینه ایمان آوردن به رسول و استقامت. و شما مدارکی از امام نووی دادی ک از مدت زمان سخن میگوید ن از همه موارد بلکه اینجا یک مسئله را جواب میدهد ایا یک مسلمان ی لحظه پیامبرص را دید. صحابی هست یا ن ک جواب داده

اینجا سخن از منافقینی هست ک در اطراف مدینه زندگی میکردند ک ادعای اسلام کردن ک خداوند میگوید منافق هستند و ب شخص پیامبرص میفرماید ک شما انها را نمیشناسی در آیات دیگر

بله فرق هست بین ایمان و اسلام. ایمان همان باور قلبی اسلام یعنی تسلیم شدن

و تعریف صحابی ایمان آوردن و استقامت هست.

برات روشن کنم وقتی ی شخص پیامبرص را دید و بهش ایمان آورد شد صحابی و البته استقامت کرد

اینجا سخن از منافقین هست ک ادعا داشتن ک مسلمان هستن

خب زیاد هستن باید برگردم بخونم جواب بدم در چند مورد حرف زده ی موضوع نیست

اگه ضعیف نباشه باز نگفتع ک انصار منافق هستن البته از پیشگامان. بلکه گفته منافقان بین انها را اینطور میشناختیم

سید عباس:

همین جواب های شما رو هم الان آماده دارم

تمام شد برادر؟

اگه تمام شد جواب رو بدم

برم بخوابم

ثانی بلوچ:

چکیده بگم دلایلت درد خور نبودن فقط ایجاد الودگی متنی بود. سخن از منافقین بود اطراف مهاجرین وانصار

البته. پیشگامانش

بار علمی نداشتن

بین رفیق

شما میگین

طبق ایه صد سوره توبه فقط چند مهاجر و چند انصار بهشتی هستند.

درست؟

سید عباس:

سوره المدثر ایه ۴۹ تا ۵۱ بخوانی جواب سوالت رو می گیری حتما بخوان

ثانی بلوچ:

جواب بده

یعنی همه ن

سید عباس:

کسی که سبقت در ایمان گرفته باشد

ثانی بلوچ:

خب چند نفر مهاجر و چند نفر انصار فقط بهشتی هستند درست یا ن؟

طبق عقیده شما؟؟

سید عباس:

فرمودید که نووی چه و چه گفته باید عرض کنم نووی همان مطالبی را بیان کرده که مورد بحث است یعنی شرط صحابی بودن بار دیگر می گذارم

نووی می گوید:

أن الصحيح الذي عليه الجمهور أن كل مسلم رأى النبي صلى الله عليه وسلم ولو ساعه فهو من اصحابه

آنچه صحیح است و مورد اتفاق جمهور علماء است ، این است که هر مسلمانی که پیامبر صلی الله علیه و سلم را دیده باشد ولو به مدت یک ساعت ، آن شخص از صحابه است .

صحیح مسلم بشرح النووی - کتاب فضائل الصحابة - باب فضل الصحابة.. - در شرح حدیث ۲۵۳۲

طبق قول نووی که بر خلاف قول شما هست اینه ایشان می گوید جمهور گفتن که صحابی کسی هست که مسلمان باشد و سخن از ایمان نکرده و ایضا اینکه یم ساعت رسول الله را ببینه

پس طبق قول جمهور شرط صحابی بودن رویت و اسلام است و شما فرمودی قول جمهور قبوله و خلافش باطل لذا قول شما در شرط صحابی بودن که ایمان را ذکر کردی شد باطل چون خلاف جمهور است که این رو جواب ندادید

ثانی بلوچ:

اینا سیاه نمای هست

سید عباس:

خدا رو شکر هم بلاخره یادگرفتی بین ایمان و اسلام فرق است زیرا گرفتاری ما با شما اینه که ما گفتیم نووی گفته صحابی شرطش اسلام است و شما گفتی ایمان است و بعد هم گفتی فرقی نداره و تناقضی نیست حالا بعد از آموزش های ما فهمیدی بین اسلام و ایمان فرق است الحمد لله

اما بحث اینجاست که باز هم جمله اشتباه خود را تکرار کردی

ما گفتیم جمهور علمای شما گفتن صحابی کسی هست که مسلمان باشه باز تو می گی صحابی کسی هست که مومن باشه ههه

بابا دست از تناقض بردار

ثانی بلوچ:

جواب منو بده

سید عباس:

فرمودید که اگر ضعیف نباشه نگفته انصار منافق هستن که می گوییم شما که ادعا کردی ضعیفه الان می گویی اگه ضعیف نباشه انصار منافق نیستن؟ می گوییم که ابوسعید می گوید ما منافقین انصار را اینطوری شناسایی می کردیم بعدا شما می گوید کجا گفته انصار منافق هستن؟ بماند که این تیمیه گفته انصار منافق هستن

ثانی بلوچ:

ی سوالی کردم

سید عباس:

جواب دادم که

ثانی بلوچ:

کجا جواب دادی؟

خب چند نفر مهاجر و چند نفر انصار فقط بهشتی هستند درست یا ن؟

سید عباس:

کسی که سبقت در ایمان گرفته باشه

این هم روایت صحیح

انس می گوید وقتی پیامبر از دنیا رفت همه عرب کافر شدند

۳۰۴۳ - أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ بَشَّارٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَمْرُو بْنُ غَاصِمٍ قَالَ حَدَّثَنَا عِمْرَانُ أَبُو الْعَوَّامِ الْقَطَّانُ قَالَ حَدَّثَنَا مَعْمَرٌ عَنْ الزُّهْرِيِّ عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ لَمَّا تُوَفِّيَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ارْتَدَّتِ الْعَرَبُ

سنن نسائی

آقای شوکانی می گوید: روایت صحیح است. نیل الاوطار، ج ۱، ص ۳۶

حالا این تواتر رو ثابت بکن بعدا ادعا بکن

ضعف شما هم به نهایتش رسید

که الان داری مطالبم رو حذف می کنی

خخخخخخخ

حذف کن حذف کن

شاید با حذف بتونی از حقیقت فرار کن

ثانی بلوچ:

یعنی چی؟

یعنی اسنادت بار علمی داشتند؟

سید عباس:

یعنی باعث رسوایی تو و مذهب شدند لذا مجبوری حذف کنی

جرات بحث که ندارید فراری هستی دیگه

ما رفیتم

ما رو هم حذف کن

تا ابرویت بیشتر نرفته

هخهههههههههههههههههههه

ثانی بلوچ:

فرار نکن باهات کار دارم

سید عباس:

بیچاره فرار رو اولاً اون عمر کرد

دوم تو داری می کنی

که فراری هستی مطالب رو حذف می کنی

چه رویی داری

ثانی بلوچ:

اخوند خبائث خودتو نشون نده

سید عباس:

شرف داری در خیمه گاه با من بحث کنی که راه فرار نداشته باشی

خبائث؟ خخخخخ در کتب شما آمده عمر فراری هست

ثانی بلوچ:

مناظره تمام شد پاک کردم

کجا اومده

سید عباس:

۸۰۹۸- حدثنا أبو هشام الرفاعي قال، حدثنا أبو بكر بن عياش قال، حدثنا عاصم بن كليب، عن أبيه قال: حَطَبَ عُمَرُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ، فَفَرَّ آلَ عِمْرَانَ، فَلَمَّا انْتَهَى إِلَى قَوْلِهِ: «إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ يَوْمَ التَّقَى الْجَمْعَانَ»، قَالَ: لَمَّا كَانَ يَوْمَ أَحَدٍ هَزَمْنَاهُمْ فَفَرَرْتُ حَتَّى صَعِدْتُ الْجَبَلَ، فَلَقَدْ رَأَيْتَنِي أَنْزُو كَأَنِّي أَرُوي، وَالنَّاسُ يَقُولُونَ: قُتِلَ مُحَمَّدٌ، فَقُلْتُ: لَا أَجِدُ أَحَدًا يَقُولُ قَوْلَ مُحَمَّدٍ إِلَّا قَتَلْتُهُ، حَتَّى اجْتَمَعْنَا عَلَى الْجَبَلِ، فَنَزَلْتُ: (إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ يَوْمَ التَّقَى الْجَمْعَانَ.

عمر در روز جمعه هنگام خطبه خواندن، سوره آل عمران را می خواند تا رسید به این آیه: «آنان که روز برخورد دو لشکر به شما پشت کرده و گریختند» سپس گفت: روز اُحد پس از آن که شکست خوردیم، من فرار کردم و از کوه بالا می رفتم به طوری که احساس کردم که همانند بزکوهی پرش و خیزش دارم و به شدت تشنه شده بودم، شنیدم مردی می گفت: محمد کشته شد، گفتم: هر کس بگوید محمد کشته شد، او را می کشم، به کوه پناه آورده و همه بالای کوه جمع شدیم، در این هنگام بود که ای آیه نازل شد.

الطبري، محمد بن جرير، جامع البيان عن تأويل آي القرآن، ج ۴، ص ۱۴۴، ناشر: دار الفكر، بيروت - ۱۴۰۵هـ

کل رسوایی هایت رو برداشتم

فردا در کانال منهاج البدعه ارسال می شه

ثانی بلوچ:

ابوبکر بن عیاش کیه

نظر علمای علم رجال را راجبش بده

بررسی رجالی کن اخوندک ضعیفه این روایت

بعدهم فراری امام زمانت هست ن عمر

اره نابود شدی بدبخت

مناظره را پخش کنید تا ببینید

امیدوارم قیچی نشع مٹ اربابتون کلینی

سید عباس:

گفتی ابوبکر بن عیاش کیه

او از روایت حسن الحدیث و صدوق شما هست

رقم الراوی	130	اسم الراوی	أبو بكر بن عیاش	النوع	رجل
الكنية	أبو بكر	اسم الشهرة	أبو بكر بن عیاش	النسب	الأسدي، الكوفي
الوصف		اللقب		النشاط	الحناط، المقرئ
المذهب		الرتبة		الطبقة	8
سنة الوفاة		سنة الميلاد		عمر الراوی	
الإقامة الأقرباء	الكوفة	بلد الوفاة		اختلاط	تدليس

ثانی بلوچ:

بله تمام رجالشو تک ب تک بررسی کن

سید عباس:

بیچاره اون فرار نپرت غیب هست

تو بهتره

مثل بزکوهی فرار نکنی

چون عمر

محمّد الرفاعي: لعله "محمّد بن يزيد، أبو هشام الرفاعي". وهو ثقة،

الكتاب: مسند الإمام أحمد بن حنبل المؤلف: أبو عبد الله أحمد بن محمد بن حنبل بن هلال بن أسد الشيباني (المتوفى: ٢٤١هـ) المحقق: أحمد محمد شاكر الناشر: دار الحديث - القاهرة - ج ٨ ص ٦٧

ثانى بلوچ:

عاصم بن كليب

سيد عباس:

رقم الراوي	6613	اسم الراوي	كليب بن شهاب	النوع	رجل
الكنية	أبو عاصم	اسم الشهرة	كليب بن شهاب	النسب	الجرمي, الكوفي
الوصف		اللقب		النشاط	
المذهب		الرتبة	ثقة	الطبقة	2
سنة الوفاة		سنة الميلاد		عمر الراوي	
الإقامة	الكوفة	بلد الوفاة		اختلاط	تدليس
الأقرباء	والد عاصم بن كليب, ابن أخت فلان بن عاصم الجرمي				

رقم الراوي	4080	اسم الراوي	عاصم بن كليب	النوع	رجل
الكنية		اسم الشهرة	عاصم بن كليب	النسب	الجرمي, الكوفي
الوصف		اللقب		النشاط	
المذهب	المرجئة	الرتبة	ثقة	الطبقة	5
سنة الوفاة	137	سنة الميلاد		عمر الراوي	
الإقامة	الكوفة	بلد الوفاة		اختلاط	تدليس
الأقرباء					

ابن هم تصحيح سند

ثانى بلوچ:

عاصم

سيد عباس:

رقم الراوي	4080	اسم الراوي	عاصم بن كليب بن النوع	رجل
الكنية		اسم الشهرة	عاصم بن كليب بن النوع	الجرمي الكوفي
الوصف		اللقب		
المذهب	المرجئة	الرتبة	ثقة	النشاط
سنة الوفاة	137	سنة الميلاد		5
الإقامة	الكوفة	بلد الوفاة		عمر الراوي
الأقرباء			اختلاط	تدليس

ثانى بلوچ:

خبث باباته ادب داشته باش

سيد عباس:

سوال ديگه دارى بكنى؟

ندارى من برم

البته اين مطالب فرار عمر با تصحيح سندى رو هم حذف كن بعدا ابروت نره

ثانى بلوچ:

بفرما برو من اين روايتو بررسى ميكنم بهت ميدهم

سيد عباس:

اين هم اقرار عالمت در باب فرار عمر

فخر رازى از بزرگترين عالمان اهل سنت مى نويسد:

ومن المنهزمين عمر ، الا أنه لم يكن فى أوائل المنهزمين ولم يبعد ، بل ثبت على الجبل إلى أن صعد النبي صلى الله عليه وسلم ، ومنهم أيضا عثمان انهزم مع رجلين من الأنصار يقال لهما سعد وعقبه ، انهزموا حتى بلغوا موضعا بعيدا ثم رجعوا بعد ثلاثة أيام .

« از فرار کنندگان عمر بود ؛ ولی او در اوائل فرار کنندگان نبود و خیلی دور نرفته بود ؛ بلکه بر بالای کوه ماند تا رسول خدا به آن جا آمد . و نیز از فرار کنندگان عثمان بود که با دو نفر انصاری به نام سعد و عقبه فرار کرده بودند ؛ آن ها آن قدر دور فرار کردند که برگشتشان سه روز طول کشید . »

الرازی الشافعی، فخر الدین محمد بن عمر التمیمی (متوفای ۶۰۴هـ)، التفسیر الکبیر أو مفاتیح الغیب، ج ۹، ص ۴۲، ناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۱هـ - ۲۰۰۰م.

ثانی بلوچ:

و ی شب راجب امامت بیا بحر فیم

سید عباس:

برو بررسی بکن ما اینها رو شخص زدیم

سرش مناظره هم کردیم

به مناظره ما رجوع کنی جواب ها داده شده

یه شب شما بیا خیمه

خیمه گاه میخ نداره نترس

ثانی بلوچ:

نشونی این رافضیخونه را بدید

سید عباس:

یکی بیاد خصوصی من

بره لینک خیمه رو به این بنده خدا بده

بلایی سرش امد که همه مطالب ما رو حذف کرد

ما رفتیم

خدا نگهدار